



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

صص ۸۰ - ۵۴

بحران آب و تهدیدات امنیتی فراروی جهان اسلام (با محوریت غرب آسیا)

دکتر محمدرضا دهشیری* - عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
تهران، ایران.

زهرا بهرامی - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷

چکیده

تغییرات آب و هوایی و تأثیرات جهانی آن بر روند زندگی بشریت، امنیت بازیگران فردی و جمعی را به‌ویژه در منطقه مسلمان‌نشین غرب آسیا تحت تأثیر قرار داده است. در این رهگذر، بحران آب به عنوان حیاتی‌ترین مسئله ناشی از تغییرات آب و هوایی، در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، کنشگران را با تهدیدات وجودی مواجه می‌کند. کشورهای اسلامی در منطقه غرب آسیا به عنوان محور جهان اسلام در معرض بیش‌ترین تهدیدات ناشی از بحران آب قرار دارند و امکان بروز جنگ آب بر سر این ماده حیاتی در آینده این منطقه وجود دارد. در این راستا مقاله حاضر در صدد بررسی این سؤال است که تهدیدات ناشی از بحران آب به عنوان مهم‌ترین مخاطره زیست محیطی چه تأثیری بر آینده امنیت کشورهای اسلامی در منطقه غرب آسیا خواهد داشت؟ در پاسخ نیز این مهم بررسی می‌شود که بحران آب، موجب ایجاد و تعمیق تهدیدات امنیتی وجودی در دو بعد اجتماعی و سیاسی - اقتصادی برای کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا می‌شود.

کلید واژگان: بحران آب، کشورهای اسلامی غرب آسیا، تهدیدات وجودی، تهدیدات امنیتی - اجتماعی، تهدیدات امنیتی - سیاسی - اقتصادی.

۱. مقدمه

آب یکی از عناصر اساسی حفظ و ادامه حیات، توسعه، رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی است. کمبود آن باعث محدودیت در ابعاد مختلف زندگی جمعی و در نهایت تهدید بقاء وجودی موجودات زنده و بشریت خواهد شد. به دلیل ماهیت زندگی بخش این عنصر رقابتی، کمبود آب، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بر بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان اثرگذار است و مسائلی از جمله کنترل، ذخیره‌سازی و عرضه آب، انواع توزیع، انتقال، بهره‌وری، مدیریت منابع آب و حفاظت از آن را به وجود می‌آورد. به دلیل حساسیت بالای این عنصر و وابستگی حیاتی موجودات به آن، در مناطقی که مقدار آب آن، نسبت به نیازهای موجود کم باشد یا بازیگران نتوانند به آب مورد نیاز خود به هر دلیل دسترسی داشته باشند، امکان تنش برای کسب این عنصر حیاتی بسیار زیاد خواهد بود. با اینکه مسئله کمبود آب تقریباً همه جا هست، ولیکن منطقه غرب آسیا از جمله مناطقی است که به صورت جدی درگیر بحران آب است. بحران آب در این منطقه عنصری تنش‌زا، بحران‌زا و امنیت‌زدا است. کنشگران این منطقه از دیرباز بر سر مسئله آب و تسلط بر منابع آبی با یکدیگر درگیر بوده و گاهی جنگ‌هایی نیز صورت گرفته است. امروزه با توجه به ظهور تهدیدات جدید امنیتی، شدت گرفتن روند تغییرات آب و هوایی، افزایش فزاینده جمعیت، گسترش نیاز به مصرف آب در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی، صنعت، کشاورزی و سایر بخش‌ها، عدم توانایی مدیریت منابع آبی و توزیع نامناسب منابع آبی بحران آب در این منطقه به ویژه در میان کشورهای اسلامی به عنوان یک بحران فرامرزی، بیش از پیش تشدید شده است و برخی از جنگ آب در آینده نزدیک سخن می‌گویند.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع پژوهش، مقالات زیادی به رشته تحریر در نیامده‌اند. در مقاله «بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)» نویسندگان ضمن توجه به بحران آب در منطقه غرب آسیا، طرح یک برنامه و اقدام جهانی به منظور تضمین دسترسی به آب سالم برای همه جهان را مورد توجه قرار می‌دهند (Bazi et al, 2010). در مقاله «امنیت محیط زیست و تغییرات آب و هوایی: تجزیه و تحلیل گفتمان» نویسنده به گفتمان در حال تغییر «امنیت آب و هوا» اشاره

دارد (Trombetta, 2017). در مقاله «دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری» نویسنده اشاره می‌کند که با وجود بحران آب و عدم توانایی حل مشکلات ناشی از آن توسط همه کشورها، همکاری دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است (Aragchi, 2014).

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر در نظر دارد در قالب چهارچوب مفهومی هیدروپلیتیک^۱ و نظریه کپنهاگ بحران آب را در منطقه غرب آسیا با محوریت کشورهای اصلی جهان اسلام از جمله آن‌هایی که در محورهای تنش آبی قرار دارند، تبیین نماید و به این مهم پردازد که کشورهای اسلامی منطقه مذکور در آینده با چه بحران‌هایی روبه‌رو خواهند بود. در این راستا از روش کیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده می‌شود و نخست ضمن اشاره به بحران آب در قالب ناامنی وجودی در منطقه غرب آسیا به اصلی‌ترین تنش‌های آبی در این منطقه می‌پردازد و در نهایت آثار امنیتی آن‌ها را برای آینده کشورهای اسلامی این منطقه تبیین می‌نماید.

۴. چهارچوب مفهومی_ نظری

هیدروپلیتیک و تئوری مکتب کپنهاگ

آب مسئله‌ای چند بعدی است که پرداختن به آن نیازمند توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در قالب سیاست آب (هیدروپلیتیک)، تأثیر عوامل انسانی بر وضعیت آب از طریق سیاست‌گذاری در حوزه آب و واکنش‌های دولتی و غیردولتی بررسی می‌شود. سیاست آب، سیاستی متأثر از دسترسی به آب و منابع آن است که به عنوان یک ضرورت برای همه اشکال زندگی و توسعه بشر شناخته می‌شود (Waterbury, 1979). یکی از دلایل طرح سیاست آب، چالش همیشگی میان انسان‌ها بر سر منابع ارزشمند، ناپایدار و کمیاب آب بوده است. آب ماده رقابتی است که امنیت چندبعدی کنشگران به آن وابسته و به عنوان دغدغه امنیتی ملی و فراملی مورد توجه آن‌ها می‌باشد.

هیدروپلیتیک دانش مطالعه وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آب است که هدف آن ارتقاء ثبات سیاسی، توسعه پایدار اقتصادی و زیست‌محیطی در مقیاس‌های محلی،

1. Hydro_Politics

ملی، منطقه‌ای و جهانی است. این حوزه چهار زیرمجموعه مطالعاتی از جمله: ۱. منازعه و همکاری بر سر منابع آب مشترک و فرامرزی، ۲. آب و مسائل زیست‌محیطی، ۳. آب و امنیت و ۴. آب و مسائل اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد که این امر نشان از اهمیت ابعاد چندگانه این عنصر استراتژیک می‌باشد (Araghchi, 2015: 12). نخست بر محور منازعه و همکاری بر سر آب در چارچوب دولت و روابط میان دولت‌ها تمرکز دارد. دوم، مفهوم آب به صورت وسیع در مطالعات زیست‌محیطی بررسی می‌شود. حوزه سوم، که مهم‌ترین بخش مربوط به مقاله می‌باشد، امنیت زیست‌محیطی را شامل می‌شود. این گرایش به شدت با سیاست گره خورده و مسئله مدیریت آب را به موضوعی امنیتی بدل کرده است، این گرایش معنای وسیع بوزان از امنیت را یادآوری می‌کند که به آن پرداخته خواهد شد. در حوزه چهارم مسائل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آب مورد توجه است (Sazmand and Emamiifar, 2018: 148). با توجه به تحولات بین‌المللی و قرار گرفتن در دوران گذار بحث سیاست آب و توجه سیاستمداران به این مقوله مهم و حیاتی به دلیل تعیین حوزه‌ها و منابع در دسترس و مدیریت استفاده آن، بسیار قابل توجه می‌باشد. زیرا این دوران، زمان گسترش و قدرت‌طلبی بازیگران در حوزه‌های مختلف از جمله در آب است که تا قبل از مرحله تثبیت نظام بین‌الملل ادامه خواهد داشت. لذا با توجه به کمبود آب و همچنین آماده بودن فضای بین‌المللی به ویژه در منطقه غرب آسیا که بیش‌تر دارای کشورهایی با جنبه‌های ایدئولوژیک رفتاری است، تلاش می‌شود بخش سوم مفهوم فوق یعنی آب و امنیت را در این منطقه مورد بررسی قرار داد. البته یکی از مهم‌ترین وجوه مورد توجه مکتب کپنهاگ نیز اشاره به رابطه محیط زیست و امنیت است که می‌تواند تکمیل‌کننده بخش سوم هیدروپلیتیک باشد. در واقع، در این مکتب امنیت، در نبود مسئله‌ی دیگری به نام تهدید درک می‌شود (Abdulkhani, 2013: 122). مکتب کپنهاگ با طرح امنیت پنج بعدی و خطر گسترش موضوعات امنیتی در محورهای پنج‌گانه، تلاش نموده تا اهداف مرجع امنیت را در هر یک از بخش‌ها تبیین نماید، برای این منظور از مفاهیم «بقاء»^۱ و «تهدید وجودی»^۲ استفاده کرده

1.Extension

2.Survival

3.Existential threat

است. مفهوم تهدید وجودی ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال، تخریب یا آسیب جدی روبه‌رو می‌سازد. بنابراین بر اساس مفهوم تهدید وجودی، هدف، مرجع امنیت و بخش‌های وسیع تهدید معین می‌شود. در بخش زیست‌محیطی، هدف مرجع مشخصی از سوی مکتب کپنهاگ معرفی نشده است و این بخش از کمبود مفهومی و روشی رنج می‌برد. با این وجود، موضوعات متنوع و گسترده‌ای در این خصوص مطرح می‌شوند، از جمله: بحران آب، گرمایش زمین، آب شدن یخ قطب‌ها، آلودگی هوا و البته به‌زعم بوزان نگفتمان در حال ظهور در روابط بین‌الملل گفتمان «امنیت آب و هوایی» می‌باشد که در آن بررسی می‌شود که چگونه مسائل زیست‌محیطی به مسائل امنیتی تبدیل و دستور کار امنیتی جدید در مقابل با منطق امنیت سنتی گسترده می‌شود (Trombetta, 2009: 586). در خصوص بعد امنیت زیست‌محیطی، بوزان تصریح می‌نماید، باید مسائل امنیت زیست‌محیطی به بخشی از بحث سیاسی روزانه تبدیل شود. در این دیدگاه، امنیت محیط‌زیست در ارتباط با شرایط مخرب و تغییر دهنده محیط‌زیست بررسی می‌شود که زمینه‌ساز تنش بین بازیگران خواهد بود. در این دیدگاه، امنیت زیست‌محیطی، سطوح تصمیم‌گیری جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی براساس اصل زیربنایی، پویایی بیشتری را برای عمل ارائه می‌دهد تا رویکرد متمرکز دولتی و سیاسی که هنوز در تفکر امنیتی غالب است. در این مکتب مشکل امنیت ملی یک مشکل سیستماتیک می‌باشد که در آن افراد، دولت‌ها و سیستم، همه بخشی از یک کل را تشکیل می‌دهند. در این سیستم عوامل زیست‌محیطی همانند عوامل سیاسی و نظامی مهم می‌باشند و می‌توان مشکلات امنیت ملی را از زوایای مختلف تجزیه و تحلیل نمود. در حقیقت مسائل و بحران زیست‌محیطی که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن بحث بحران آب است، در قالب این مکتب، تهدید امنیت وجودی است که مسائل زیست‌محیطی را در شرایط امنیتی و سیاسی قرار می‌دهد. مکتب کپنهاگ هشدار می‌دهد که توجه به جابه‌جایی‌هایی مانند «امنیت محیط‌زیست» باید همیشه با در نظر گرفتن عواقب جانبی متفاوت استفاده از امنیت ذهنی در برابر مزایای احتمالی تمرکز،

توجه و بسیج، مورد توجه باشد؛ در این راستا اولیور با طرح هنجار «امنیت کمتر، سیاست بیش‌تر» به این موضوع می‌پردازد. به آن معنا که هنوز در امنیت زیست محیطی، اهداف اولویت‌بندی نشده است و مسائل هم‌چنان با تغییر در منطق امنیت و شیوه‌های همراه آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

در این مکتب، در خصوص «امنیتی‌سازی» در مسائل زیست‌محیطی به صورت تحلیلی دقت نمی‌شود؛ ولیکن در حوزه امنیت، با طرح امنیت چندگانه در بخش زیست محیطی، به لزوم تجدید نظر در خصوص امنیت زیست محیطی و اقدامات استثنایی در این خصوص، بسیج منابع و طبقه‌بندی «طرفین دیگری» نیز اشاره شده است (Trombetta, 2009: 589). البته با توجه به حضور کنشگران فعال در تعاملات حوزه آب و اهمیت آن برای کشورهای منطقه، این امر را نمی‌توان انکار کرد که امنیتی‌کردن مسئله آب امروزه بسیار مورد توجه کنشگران به ویژه در راستای اعمال سیاست‌های عملی آن‌هاست. در خصوص بحران‌های زیست‌محیطی یکی از قابل توجه‌ترین مسائل، آب است، در این خصوص به دو رویکرد متضاد اشاره می‌شود. نخست آنکه مطابق با مقررات امنیتی در وابستگی به اقدامات اضطراری، آماده بودن برای همه‌ی تهدیدات بالقوه، غیرممکن است و ترجیح داده می‌شود که در هنگام وقوع با تهدیدات اضطراری با آن برخورد شود. دوم، اقدامات پیشگیرانه جهت جلوگیری از وقوع اقدامات فاجعه‌بار می‌باشد، به آن معنا که امنیتی‌سازی در ابعاد مختلف جهت حرکت از یک موقعیت به موقعیت دیگر در خصوص جلوگیری از تهدیدات ناشی از تغییرات آب و هوایی طراحی شود (Trombetta, 2009: 595). در منطقه غرب آسیا به ویژه در تعاملات آبی کشورهای جهان اسلام، رویکرد دوم بیش‌تر نمایان است و عوامل تنش‌زا را در منطقه افزایش می‌دهد. لذا بررسی ناامنی‌های حاصل از بحران آب و پیش‌بینی وضعیت پیش‌روی این امر با محوریت کشورهای اسلامی غرب آسیا، در قالب این مکتب تسهیل‌کننده درک این مسئله می‌باشد؛ بحران آب به عنوان تهدید وجودی زمینه‌های تنش و ناامنی را ایجاد می‌کند و رفتار غالب کنشگران با بهره‌مندی از رویکرد دوم، تنش و ناامنی را به صورت فزاینده‌ای تشدید می‌نماید.

بحران آب در کشورهای اسلامی غرب آسیا

در سطح بین‌الملل در قالب بحران آب، دسترسی مطمئن بشر به آب، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها برای ادامه حیات، توسعه اقتصادی، اجتماعی و حتی حفظ تمدن در یک جامعه می‌باشد. البته اهمیت مسئله محیط‌زیست در طی دهه ۱۹۸۰ در پی انتشار «گزارش برانت‌لند»، برگزاری «کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل» و سپس موج عظیم کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها و قراردادهای جهانی از سوی جامعه بین‌المللی اهمیت بیش‌تری یافت. به گونه‌ای که از دیدگاه سازمان ملل متحد پس از مشکل جمعیت، مسائل مربوط به بحران آب و مدیریت آن، دومین مسئله اصلی جهان شناخته شده است (Bazi et al, 2010:2). امروزه، مسئله آب به دلیل افزایش چشم‌گیر جمعیت کره زمین، افزایش کشورهای صنعتی، بهره‌برداری نامناسب از منابع محیط‌زیست برای تأمین نیازهای اقتصادی، عدم مدیریت منابع آب در دسترس، کم بود آب شیرین و عدم همکاری بین‌المللی برای این بحران در قالب بحران آب مطرح می‌شود و این امر قطعاً پیامدهایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای کشورهای به ویژه در بعد امنیتی خواهد داشت.

روند بحران آب با سرعت هم‌چنان در حال پیش‌روی است، اکنون، نیمی از جمعیت جهان در نواحی زندگی می‌کنند که تنش‌های مربوط به آب در آن‌ها جاری است. سازمان ملل متحد پیش‌بینی می‌کند که کشورهای با درآمد سرانه کم، تنش آبی زیاد که ۷ میلیارد نفر در جهان را تا سال ۲۰۲۵ شامل می‌شود، اولین قربانیان بحران آب خواهند بود؛ به ترتیب سرانه آب کمتر از ۱۰۰۰ متر مکعب در سال و برداشت بیش از ۴۰ درصد از منابع تجدید شونده را معرف بحران آب دانسته‌اند. پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۲۵، ۶۰ درصد جمعیت جهان با یک تنش آبی مواجه باشند (Taghipour, 2016:18). سازمان ملل تخمین زد تا سال ۲۰۲۵، ۸.۱ میلیارد از مردم در کشورهای زندگی می‌کنند که با کمبود مطلق آب روبه‌رو هستند، به دلیل کمبود آب در مناطق خشک و نیمه خشک حدود ۲۴ تا ۷۰۰ میلیون نفر جابه‌جا می‌شوند و در نتیجه ناآرامی‌ها تشدید می‌شود (Kreamer, 2012:1). سازمان ملل هم‌چنین پیش‌بینی نمود، تا سال ۲۰۴۵ تقاضا مصرف آب شیرین در غرب آسیا ۶۰ درصد افزایش خواهد داشت. خسارت ناشی از تغییرات آب و

هوایی به صورت جمعیت در سال ۲۰۳۰ رقمی در حدود ۲ تریلیون تا ۴ تریلیون دلار برآورد شده است (Taghipour, 2016:5).

سازمان‌های بین‌المللی و از جمله کمیسیون توسعه پایدار ملل مختلف جهان را از نظر میزان منابع تجدید شونده و توانایی‌های آن‌ها در تجهیز منابع مالی به چهار دسته زیر تقسیم کرده‌اند: کشورهای با درآمد سرانه بالا و تنش آبی کم، کشورهای با درآمد بالا و تنش آبی زیاد، کشورهای با درآمد کم و تنش آبی کم و کشورهای با درآمد کم و تنش آبی زیاد (Bazi et al, 2010:7). غرب آسیا در دسته چهارم قرار دارد، آب در این منطقه دارای اهمیت وجودی در ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی است و عواملی چون کمبود طبیعی، اقتصاد متکی به کشاورزی، عدم توان مدیریت منابع آبی، استفاده نامناسب و نابه جا از منابع آب شیرین، توزیع نامتوازن منابع آبی میان کشورها، درگیری کشورها با یکدیگر بر سر مسائل ارضی، مرزی، قومی و ایدئولوژیکی، مقدس بودن آب برای برخی از بازیگران از جمله رژیم صهیونیستی، فقدان قوانین برای استفاده از منابع مشترک آبی و ... موجب شده است، آب به یک ابزار سیاسی و حتی استراتژیک تبدیل شود، بازیگران در این منطقه برای دسترسی به آب راهبردهای مختلفی از مذاکره تا دزدی و جنگ را اعمال می‌نمایند.

تعداد کشورهای دچار کمبود آب از سه کشور کویت، اردن و بحرین در سال ۱۹۵۵ به دوازده کشور از جمله: الجزایر، رژیم اشغالگر، سرزمین اشغالی، عربستان، قطر، سومالی و غیره در سال ۱۹۹۹ رسید و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ هفت کشور دیگر یعنی مصر، اتیوپی، ایران، لیبی، مراکش، عمان و سوریه نیز به آن‌ها افزوده شود (Maumouri and Kazemi, 2011:2) و درگیری بر سر مسئله آب در منطقه رود اردن، منطقه دجله و فرات و منطقه حوزه نیل تشدید شود (Rababa'a, 2012:19). که این امر نمایانگر آن است که تقریباً همه کشورهای اسلامی در منطقه غرب آسیا با شدت و ضعف با بحران آب درگیر خواهند بود و کشورهایی که در عرصه جهانی در محور کشورهای جهان اسلام قرار دارند از این بحران بیش‌تر ضربه می‌خورند و با تهدید وجودی مواجه می‌شوند.

شورای ملی اطلاعات آمریکا، اظهار داشت که مشکلات آب، کشورهای کلیدی منطقه غرب آسیا

را در معرض خطر بیشتر، بی ثباتی و نارسایی دولت قرار می‌دهد و آن‌ها را از مشارکت‌های سیاسی خارجی با دولت‌ها و بازیگران دیگر باز می‌دارد. این شورا پیش‌بینی نمود، در سال ۲۰۴۰، ۳۳ کشور در عرصه جهانی در موقعیت تنش آبی قرار خواهند گرفت، ۱۶ کشور از آن‌ها در منطقه غرب آسیا قرار دارند، که از بین آن‌ها نه کشور، بحرین، کویت، فلسطین، قطر، امارات متحده عربی، رژیم صهیونیستی، عربستان، عمان و لبنان وضعیت دشوارتری خواهند داشت (Maddocks et al, 2015).

جدول (۱): کشورهای غرب آسیا، با بیش‌ترین بحران آب در ۲۰۴۰

رتبه	کشور	همه بخش‌ها
۱	بحرین	۰۰.۵
۱	کویت	۰۰.۵
۱	قطر	۰۰.۵
۱	امارات متحده عربی	۰۰.۵
۱	فلسطین	۰۰.۵
۸	رژیم اشغال‌گر	۰۰.۵
۹	عربستان	۹۹.۴
۱۰	عمان	۹۷.۴
۱۱	لبنان	۹۷.۴
۱۳	ایران	۹۱.۴
۱۴	اردن	۸۶.۴
۱۶	یمن	۷۴.۴
۲۱	عراق	۶۶.۴
۲۵	سوریه	۴۴.۴
۲۷	ترکیه	۲۷.۴

(Source: <http://www.wri.org>)

در منطقه غرب آسیا، به دلیل شرایط ویژه انسانی، محیطی و ساختاری، بحران آب به صورت مستقیم با حیات و امنیت وجودی بازیگران در ارتباط است و به دلیل رشد کشورهای جهان سوم مستقر در این منطقه، افزایش نیازهای صنعتی، افزایش جمعیت، رشد طبقه متوسط و افزایش نیاز به مزارع کشاورزی و مواد غذایی، انرژی و ... کشورهای منطقه غرب آسیا در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد. با توجه به تغییرات آب و هوایی، انتظار می‌رود این منطقه به سمتی

حرکت نماید که از یک سو در آن برخی مناطق خشک و دیگر مناطق در بهترین وضعیت مرطوب شوند، از سوی دیگر در برخی مناطق افزایش میزان بارندگی و نبود امکانات کافی و توان مدیریتی مناسب، افزایش بیش از حد جریان آب و ایجاد سیل، تهدیدات و خسارات زیادی را به بار بیاورد، که در هر دو صورت با امنیت وجودی بازیگران منطقه درگیر خواهد بود، امنیتی که وابستگی بسیاری به امنیت تعریف شده سایر کشورهای منطقه دارد. البته، بحران آب در این منطقه از عوامل دیگر هم چون شرایط خشکسالی، بارندگی کم و سطوح بالای تبخیر، محدود بودن منابع آب طبیعی، استفاده ناکارآمد از منابع آبی، استفاده از شبکه‌های آب قدیمی، آلودگی، مسائل فرهنگی - اجتماعی، و چارچوب قانونی، سیاسی و اقتصادی مؤثر بوده است. ترکیبی از این عوامل به این معنی است که نه تنها منطقه از رطوبت، خشکسالی و خشک شدن رنج می‌برد، بلکه از تأثیرات تغییرات اقلیمی نیز آسیب‌پذیر است. پیش‌بینی می‌شود، افزایش دما و کمبود بارش در سوریه منجر به بیابان‌زایی ۶۰ درصد این کشور شود. در مصر، امواج گرما می‌تواند منجر به کاهش جریان نیل تا سال ۲۱۰۰ به میزان ۷۵٪ شود. در عربستان، تأمین آب از منابع زیرزمینی به دو برابر افزایش یافته است. مصرف از منابع غیرمترکم آب، موجب شده است میزان آن در امارات متحده هر سال یک متر کاهش یابد و اگر این روند در کشورهای منطقه ادامه داشته باشد، کشورهای منطقه غرب آسیا به پایداری آب دست نخواهند یافت. با توجه به اینکه جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ به بیش از ۹ میلیارد نفر می‌رسد، افزایش بحران آب در غرب آسیا و دریافت شدیدترین ضربه‌های امنیتی از این امر اجتناب‌ناپذیر است (Espinoza et al, 2016).

چالش‌های اصلی در سه محور تنش: اساس درگیری در کشورهای اسلامی غرب آسیا

سه حوزه اساسی تنش آبی در منطقه وجود دارد که شامل غالب کشورهای اسلامی است. این امر بیش‌تر نشأت گرفته از جریان‌های آبی مشترک در مرزهای کشورهای درگیر، لزوم استفاده از آبخوان‌های زیرزمینی که از مرزهای ملی عبور کرده و نیاز به ورود جریان خارجی آب به ویژه به دلیل عبور از کشورهای دیگر می‌باشد. لذا هر چه میزان نیاز به استفاده از آب‌هایی که از خارج کشور وارد می‌شود یا در جریان عبور از کشورهای دیگر قرار دارد، بیش‌تر باشد، با توجه به محیط تعاملاتی نامطلوب کشورهای غرب آسیا، میزان تنش در این منطقه بیش‌تر خواهد بود. با

این حال در ادامه به سه محور اصلی تنش در این منطقه با محوریت کشورهای اسلامی اشاره می‌شود.

حوضه دجله و فرات: رودهای دجله و فرات از ترکیه سرچشمه می‌گیرند، پس از عبور از کشورهای سوریه و عراق در مرز جمهوری اسلامی ایران با پیوستن به رود کارون، اروند رود را تشکیل می‌دهند و به خلیج فارس می‌ریزند (<http://pajuhesh.irc.ir> 2018/9/17). حدود ۸۸,۷ درصد از آب رودخانه فرات از خاک ترکیه و تنها ۱۱,۳ درصد آن از سوریه تأمین می‌شود. عراق هیچ تأثیر و نقشی در تأمین آب رودخانه فرات ندارد. این در حالی است که سوریه خواهان ۲۲ درصد و عراق خواهان ۴۳ درصد از آب این رودخانه هستند (Sattari, 2017:1). کشورهای درگیر در این حوزه آبی به ویژه در بخش اقتصادی به آب‌های این حوزه نیاز دارند و با توجه به حقوق تاریخی درصدد بهره‌مندی از آن هستند. با این وجود وضعیت کشورهای درگیر هر یک با ارائه طرح‌های نوین درصدد رفع نیاز خود بدون توجه به دیگران هستند که این امر نگرانی در خصوص افزایش بحران آبی را بیش‌تر می‌کند. ترکیه نمونه این امر است، سرچشمه دجله و فرات در این کشور قرار دارد و به عنوان یک کشور بالادست حوضه دجله و فرات، تلاش دارد در راستای تأمین منابع حیاتی خود، اقداماتی را اتخاذ نموده و از موقعیت استراتژیک خود به عنوان اهرمی برای پیشبرد منافع ملی یا منطقه‌ای استفاده کند (Espinoza et al, 2016). ترکیه در گذشته با کشورهای پایین‌دست دجله و فرات، عراق و سوریه تعامل داشته و بدون تنش در این خصوص مدارا می‌نمود. اما عواملی چون افزایش نیاز به آب بیش‌تر برای تأمین مواد غذایی جمعیت هشتاد میلیون نفری ترکیه، صدور محصولات کشاورزی تولیدشده به کشورهای منطقه، ادامه یافتن بهره‌وری پایین در مصرف آب، هدررفت آن و احتمال کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی آب این رودخانه‌ها در ۳۰ الی ۴۰ سال آینده در اثر تغییر اقلیم، شرایط منطقه را تغییر خواهد داد (Sattari, 2017:1). برنامه سد سازی‌های ترکیه که به پروژه گاپ معروف است، مورد توجه بازیگران در این حوزه بوده است. ترکیه در این طرح درصدد ایجاد مجموعه از سد و نیروگاه برقی بر بخش بالایی رودخانه‌های مذکور است. با تکمیل نهایی این طرح، ترکیه حدود ۴۵

درصد آب رودخانه‌های دجله و فرات را کنترل خواهد کرد، این امر قطعاً به میزان آب کشورهای حوضه آبی، سوریه و عراق اثرگذار خواهد بود و در دو دهه آینده آب ورودی به عراق را تا میزان ۸۰ درصد کاهش می‌دهد. هم‌چنین، با اعمال این امر توسط ترکیه و در نتیجه آن خشک شدن تالاب‌های مرکزی عراق و سوریه، تالاب هورالعظیم بزرگ‌ترین کانون بحرانی ریزگردها در منطقه خواهد بود که بیش‌ترین ضرر آن متوجه ایران است، زیرا ۲۵ استان غربی و مرکزی کشور ایران با معضل ریزگردها روبه‌رو می‌شوند (<http://www.irna.ir,26/11/2018>). ترکیه قصد دارد با مهار آب‌های دو رودخانه دجله و فرات در قالب پروژه‌ی بزرگ گاپ و سایر پروژه‌ها سدسازی برنامه بلند پروازانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در منطقه حساس جنوب شرق ترکیه را به اجرا بگذارد و این به راحتی توسط کشورهای پایین‌دست پذیرفته نمی‌شود. ترکیه درصدد است با اجرای این پروژه‌ها، توسعه کشاورزی، صنعتی و گردشگری شکاف‌های قومی را به حداقل ممکن برساند و به نوعی گروه‌های مخالف دولت را خلع سلاح نماید (Sattari,2017:3).

عراق نیز وضعیت مطلوبی در مسئله آب ندارد. این کشور با ایران دارای بیشترین پیوند توپوگرافیکی و تداخل حوضه آبریز از نظر جریانات آب‌های سطحی است و به علت قرار گرفتن ایران در بالاست و داشتن موقعیت کوهستانی، سالیانه میلیاردها مترمکعب آب به عراق جریان می‌یابد. گزارش اخیر موسسه بروکینگز می‌گوید: آلودگی در رود دجله ناشی از تخلیه آب زه‌کشی از مناطق کشاورزی و تخلیه فاضلاب نزدیک بغداد، محدودیت عمده‌ای برای دسترسی به آب شیرین در عراق است. بنابراین جریان آب از رودخانه دجله و فرات که در برنامه گاپ ترکیه قرار دارد برای عراق و البته سوریه بسیار مهم است و با توجه به این که بیش از ۹۵ درصد آب عراق از دجله و فرات می‌آید، هر کسی که هر دو جریان آب را کنترل کند، آب و برق را کنترل خواهد کرد و با ایجاد مشکل در تأمین این دو عنصر برای عراق، تأثیرات فلج‌کننده‌ای بر تولید غذا و فعالیت اقتصادی در مرکز و جنوب عراق خواهد داشت (Jena,2016). لذا عراق در وضعیتی قرار دارد که به راحتی از حجم آب خود از دجله و فرات نخواهد گذشت و ممکن است با ترکیه بر سر این مسئله اختلافاتی حتی نظامی ایجاد شود.

سوریه نیز با وجود قرار گرفتن در هلال کشورهای کم آب از سیاست‌های ترکیه و سایر کشورها در مسیر جریان آب دجله و فرات متأثر خواهد بود و به آن واکنش نشان می‌دهد. البته وضعیت جنگ داخلی در سوریه را نمی‌توان در این بحران نادیده گرفت، لذا کاهش جریان از ترکیه، چند سال جنگ و سوءاستفاده از منابع آب در بسیاری از نقاط کشور، این کشور را در وضعیت اسفباری قرار داده است که مکان درگیری بر سر آب را افزایش می‌دهد. تحلیلگر سوری نبیل السمن اذعان نمود، آب می‌تواند منجر به درگیری‌های آینده بین کشورهای منطقه، از جمله سوریه و ترکیه شود (Yeranian, 2018).

حوضه رود اردن: رود اردن، سیاسی‌ترین رود منطقه است که در بهره‌برداری مشترک از آن اختلافات قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. امروزه مشکلات آبی در جوامع مرزی با رود اردن یعنی اسرائیل، اردن، کرانه غربی و نوار غزه تشدید شده است، در نوار غزه، به دلیل کیفیت پایین آب شیرین، این وضعیت به تدریج دشوارتر نیز خواهد شد. طبق ارقام سازمان ملل متحد، جمعیت این منطقه، از جمله اردن، اسرائیل، کرانه غربی و نوار غزه به تدریج تا سال ۲۰۲۵ به ۲۳ میلیون نفر افزایش می‌یابد و موجب تشدید بحران آب در این منطقه خواهد بود. جمعیت اردن از ۷.۶ میلیون نفر به بیش از ۱۲ میلیون نفر و جمعیت اسرائیل، از جمله کرانه غربی، از ۶.۲ میلیون نفر به ۸.۳ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت. جمعیت نوار غزه نیز از ۲۵ سال پیش به ۶/۱ میلیون نفر افزایش خواهد یافت (Koch, 2013). در این وضعیت؛ رژیم اشغالگر با بهره‌برداری ناعادلانه از آب در این منطقه بر بحران آب دامن می‌زند. صد هزار سکنه شهرک‌های یهودی‌نشین سالانه ۲۶ میلیارد و ۴۰۰ میلیون گالن آب مصرف می‌کنند که بخش عمده‌ای از این آب، صرف پرکردن استخرهای شنا می‌شود. این در حالی است که یک میلیون عرب ساکن در این منطقه باید ۳۶ میلیارد گالن آب مصرف کنند (<http://pajuhesh.irc.ir,17/9/2018>). رژیم صهیونیستی برای تأمین آب مورد نیاز خود به هر اقدامی مبادرت نموده است، مثلاً در سال ۱۹۶۴ با استفاده از زور جریان رود اردن را در محل خروج از جنوب دریاچه طبریه منحرف کرده و با ایجاد سد در این منطقه، مانع ادامه مسیر طبیعی رود اردن شد. این رژیم همواره تأکید دارد آب‌هایی که در

سرزمین‌های اشغالی اعراب قرار دارد از جمله در بلندی‌های جولان بخش جداناپذیری از آن می‌باشد (Mousavi, 2012: 152). در حالی فلسطینی‌ها روی سقف خانه‌ها بطری‌های مخصوصی را می‌سازند تا در ماه‌های زمستان، از آب باران برای تابستان‌های طولانی و خشک ذخیره نمایند. همچنین، کشاورزان مخازن کوچک را برای جمع‌آوری و ذخیره آب برای آبیاری دام آماده می‌کنند. این سیستم صرفه‌جویی در مصرف آب سال‌هاست که در جریان است و بیانگر خشکسالی آسیب‌پذیر مردم فلسطینی است که به شدت از فقدان آب رنج می‌برند (Koch, 2013). بحرانی‌ترین کشور منطقه از نظر آب، اردن است. بر هیچ رودخانه عمده‌ای کنترل ندارد؛ رود اردن که بخشی از مرز مشترک این کشور با فلسطین اشغالی را تشکیل می‌دهد، بیش‌تر از کوه‌های لبنان، شمال فلسطین اشغالی و ارتفاعات سوریه سرچشمه می‌گیرد، به همین دلیل بیش‌تر آب در قسمت‌های بالادست رودخانه مصرف می‌شود و اردن تنها می‌تواند بر انشعاب رودخانه یرموک تکیه کند که آن هم مورد نظر سوریه و رژیم اشغالگر است. این رژیم بر این عقیده است که هر چقدر اردن آب بیش‌تری از این رود به دست آورد، به همان اندازه امکان بهره‌برداری اسرائیل از آب این رودخانه کاهش می‌یابد و از این رو، تلاش‌های ۴۰ ساله اردن برای بهره‌برداری از رود اردن و ایجاد سد الوحده را خنثی کرده است. با رشد ۳/۸ درصدی جمعیت، اردن در سال‌های آتی، فشار وارده بر استفاده از منابع آب تسریع و بحران در این کشور شدیدتر شود. لذا آب بیش از گذشته سیاسی خواهد شد (http://pajuhesh.irc.ir 17/9/2018).

حوضه رود نیل: رودخانه نیل در قاره آفریقا جریان دارد و در حال حاضر تأمین‌کننده آب مورد نیاز مصر و هشت کشور دیگر آفریقایی است. وضعیت کشور مصر از دیگر کشورهای این حوزه وخیم‌تر است؛ کشاورزی این کشور به طور کامل وابسته به رود نیل است و سالانه حجم بسیاری از مایحتاج غذایی خود را وارد می‌کند.

در مصر، امواج گرما می‌تواند منجر به کاهش جریان نیل تا سال ۲۱۰۰ به میزان ۷۵٪ شود، این امر با آبیاری ناکارآمد تشدید می‌شود (Espinoz et al, 2016) و امکان افزایش تنش را تشدید می‌کند، برای نمونه در سال‌های اخیر کشورهای سرشاخه نیل مانند اتیوپی و اوگاندا اقدام به ساخت سد برای تولید انرژی برق نمودند. اتیوپی در برنامه پنج ساله دوم خود (۲۰۱۵-۲۰۲۰)

ساخت اولین سد بزرگ «سد بزرگ رنسانس اتیوپی» را آغاز نموده است و مصر نیز تهدید به حمله نظامی کرد (Rohi Dehbaneh, 2018:95).

علاوه بر حوزه‌های اصلی تنش لازم به ذکر است که در عربستان سعودی، از دهه ۱۹۸۰ به بعد تأمین آب از منابع زیرزمینی به دو برابر افزایش یافته و مصرف از منابع غیرمتراکم آب، موجب شده است میزان آن در امارات متحده عربی هر سال یک متر کاهش یابد، اگر این روند در کشورهای منطقه، بدون توجه به رویکردهای پیشگیرانه ادامه داشته باشد، کشورهای منطقه غرب آسیا به پایداری آب دست نخواهند یافت (Espinoza et al, 2016).

ایران نیز از جمله کنشگری است که با افزایش جمعیت و ارتقای استانداردهای زندگی، تقاضا منابع را بالا می‌برد، اما نقصان در ارتقای تکنولوژیک، بهره‌وری و مکانیسم‌های قیمتی، فشار بر منابع را به حد بحرانی می‌رساند. در شمال شرق ایران، افغانستان و ترکمنستان قرار دارند که همانند ایران به خاطر قرارگرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک دچار کم آبی هستند. سد دوستی یکی از موارد همکاری بین دو کشور ایران و ترکمنستان در حوضه‌ی آبی مشترک بود. اما افغانستان با توجه به ثبات نسبی و نیاز شدیدش به آب، در حال ساخت دو سد بر روی رودخانه هریرود است که در صورت ساخت آن‌ها بر آب، ورودی به سد دوستی تأثیر گذاشته و ذخیره‌سازی، تنظیم آب و تأمین آب کشاورزی دشت سرخس را با مشکل جدی مواجه می‌کند (<https://ir.sputniknews.com,17/7/2017>) البته به دلیل ارتباط مرزی بین ایران با عراق و ترکیه، مشکلات آبی در حوزه رود دجله و فرات حتماً بر روی امنیت ایران به ویژه در حوزه زیست محیطی و مشکلاتی چون ریزگردها اثرگذار خواهد بود.

در مجموع افزایش روزافزون جمعیت در غرب آسیا، ضعف این منطقه در منابع آب کافی و رضایت‌بخش برای تحقق نیازهای روز افزون، سوء استعمال منابع آب توسط دولت‌هایی که به آب دسترسی دارند، استفاده زیاد توسط برخی از کشورهای منطقه در مقایسه با نیازهای آبی خود به هزینه آب کشورهای دیگر، تمرکز کشورهای غرب آسیا بر بخش اقتصاد کشاورزی بیش از سایر بخش‌ها، در دسترس نبودن بودجه کافی برای ساختن سدها و شبکه آب و فاضلاب مدرن، عدم وجود سیاست‌های آبی منطقی، عدم ثبات سیاسی در تعاملات فی ما بین کشورهای منطقه

به ویژه کشورهای دارای منافع در بحث آب و عدم روابط حسن همجواری در این خصوص، که منجر به تلاش هر بازیگر برای تسلط بر مقادیر بیشتر آب می‌شود، کمبود و محدودیت منابع آب به ویژه در منطقه حوزه رود اردن، افزایش میانگین مهاجرت یهودیان به اسرائیل، بالا رفتن میزان آب مورد نیاز این رژیم و متعاقباً افزایش تلاش برای تصرف منابع آب آن منطقه از جمله عوامل مؤثر بر بحران آب در غرب آسیا است که می‌تواند موجبات تشدید تنش را فراهم کند (Rababa'a, 2012: 15- 16).

تهدیدات امنیتی متأثر از بحران آب پیش‌روی جهان اسلام در غرب آسیا

آب یک دغدغه امنیتی ملی - فراملی است، جایگزین ندارد و لذا تنش یا همکاری در این حوزه به معنای تنش و همکاری در زمینه حیات است. این ماده رقابتی در منطقه غرب آسیا به دلایل فوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در محورهای اصلی جهان اسلام در این منطقه می‌توان ناامنی وجودی را تشدید و تضعیف نماید. لذا در ادامه به برخی از مهم‌ترین تهدیدات امنیتی پیش‌روی کشورهای اسلامی در این منطقه در ابعاد سیاسی اقتصادی و اجتماعی اشاره خواهد شد.

تهدیدات وجودی در بعد سیاسی - اقتصادی

تهدیدات سیاسی وجودی: از منظر مکتب کپنهاگ، هدف مرجع در بخش سیاسی شامل ایده حاکمیت و نهادهاست که ایده حاکمیت در قسمت‌های مختلف به ایدئولوژی، قواعد تشکیل دهنده حاکمیت و حتی هویت ملی تعبیر می‌شود. در این چارچوب، هرچیزی که شناسایی، مشروعیت و اقتدار این دو را با خطر مواجه سازد تهدیدی وجودی در بعد سیاسی است (Abdulkhani, 2013: 129). آب در کشورهای اسلامی منطقه، به دلیل پیوند بسیار قوی با اقتصاد، اجتماع و فرهنگ قبیله‌ای این جوامع از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در بسیاری از تعاملات به عنوان کالای استراتژیک و سلاح فشار سیاسی استفاده می‌شود. بحران آب در این منطقه و ما بین کشورهای اسلامی به ویژه آنهایی که در محورهای تنش قرار دارند، می‌تواند به چند صورت موجبات تهدیدات سیاسی را موجب شود:

❖ ناکامی در درگیری مابین بازیگران دولتی: یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدات

وجودی سیاسی، درگیری ما بین دولت‌ها در بعد وسیع نظامی است که بر سر منابع مشترک و غیرمشترک آبی صورت می‌گیرد و می‌تواند در بعد گسترده کشور موجبات شکست یک کنشگر و ضعف مشروعیت داخلی آن را به همراه داشته باشد. آب مهم‌ترین نیازی است که مردم جامعه انتظار دارند از سوی حکومت تأمین شود و عدم دسترسی به میزان کافی به آن و درگیری در یک تنش فراملی در این حوزه می‌توان مشروعیت و اقتدار دولت و حکومت را به ویژه در صورت ناکامی به همراه داشته باشد. این امر به ویژه در کشورهای غرب آسیا که معمولاً دارای جامعه‌ای شکننده و پر التهاب هستند، از جمله بین سوریه و ترکیه امری قریب‌الوقوع است. زیرا ترکیه در صدد است با بهره‌مندی از وضعیت نامطلوب داخلی در سوریه و عراق، در راستای پیشبرد هژمونی منطقه‌ای خود مبادرت نماید و از آب با تکیه بر رویکرد اهمیت کشورهای سرچشمه، به عنوان سکوی پرش استفاده نماید، این امر مورد پذیرش سوریه و عراق نخواهد بود.

❖ درگیری بازیگران درون دولتی: یکی دیگر از تهدیدات سیاسی پیشروی جوامع

اسلامی در غرب آسیا که ناشی از بحران آب می‌باشد، درگیری‌های درون دولتی است. کشورهای اسلامی هم‌چون ایران، عراق، سوریه و ... که هر یک به صورت ویژه در بحران آب درگیر هستند، کشورهایی با جوامع پراکنده و چند قومیتی هستند که این امر می‌تواند هم‌چون بمب هسته‌ای در درون کشورها عمل نماید. از دیر باز قومیت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه سیاسی بازی می‌کردند و در برخی از کشورها امکان اعمال کنترل و مدیریت جامعه را به صورت کامل و هدایت شده توسط حکومت را نمی‌دهند، هرگونه ناامنی در نیازهای داخلی آب و همچنین بی‌تدبیری نظام‌های حکومتی در برخورد با این امر می‌تواند زمینه لازم را برای برخوردهای قبیله‌ای و قومیتی در کشورهای فوق‌الذکر ایجاد نماید. این امر ضمن نمایان نمودن بی‌کفایتی نظام سیاسی موجبات تضعیف قدرت و مشروعیت نظام

حکومتی، ایدئولوژی حاکم و در مرحله‌ای بالاتر به صورت عمیق موجب اثرگذاری بر هویت ملی می‌شود، زیرا بحران آب و درگیری بر سر توزیع، مدیریت و استفاده از آن در درون کشور و درون قومیت‌ها زمینه‌های پیوند دهنده هویت ملی جامعه چندپاره را ایجاد می‌کند.

❖ **ظهور و توسعه نیروهای تروریستی:** بحران آب به چند دلیل می‌تواند موجبات

ظهور و حتی توسعه نیروهای تروریستی و در نتیجه ناامنی ملی و فراملی را فراهم نماید. از جمله مهم‌ترین دلیل این امر شکل گرفتن زمینه برای ایجاد تنش‌های قومیتی است که این امر به بازیگران فردی از جمله قومیت‌های افراطی و قدرت‌طلب این امکان را می‌دهد که از بحران و شرایط بهم‌ریختگی سیاسی و ملی برای ظهور، افزایش قدرت و امتیاز سیاسی و اقتصادی و در نتیجه تهدید وجودی سیاسی استفاده نمایند و مشروعیت نهادهای حاکم را زیر سؤال ببرند. دلیل دیگر آن است که کشورهای هدف معمولاً در بعد اقتصادی به کشاورزی متکی هستند، لذا در صورت نبود آب و کمبود آن، کشاورزی به عنوان یک پایه اقتصادی دچار بحران خواهد شد، در این صورت بیکاری، درآمد پایین، فقر، خشونت ساختاری و ... در بخش اعظم جامعه شکل خواهد گرفت و نتیجه آن ایجاد توده بسیاری از مردم ناراضی هستند که برای برخی از اهداف خود به اقدامات تروریستی در داخل کشور مبادرت می‌نمایند و برخی نیز برای رفع نیازهای خود و دریافت هزینه به گروه‌های تروریستی ملحق خواهند شد. لذا ناامنی در زمینه آب به تدریج ابعاد تروریستی ملی و فراملی را افزایش خواهد داد. افزایش نیروهای تروریستی منبعت از بحران آب خود بر تشدید بحران اثرگذار است زیرا تلاش آن‌ها برای تسلط بر جریان‌های آبی، کنترل آن‌ها و استفاده از آب به عنوان سلاحی برای دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی موجب ایجاد خلل در جریان‌های آبی و افزایش ناامنی در اشکال مختلف خواهد بود. نمونه این امر اقدامات داعش برای جلوگیری از ورود آب رودخانه فرات به مرکز عراق یعنی کاهش ورود این آب به تالاب بزرگ هورالهویزه در مرز

ایران بود که موجب خشک شدن بخش‌های بیش‌تری از این تالاب شده و در نتیجه نواحی وسیعی مساعد برای تولید ریزگردها فراهم شده است که این امر بر ناامنی محیط زیست ایران بسیار اثرگذار است (Zaki and Fateh, 2018:82).

❖ **تهدیدات وجودی در بعد اقتصادی:** از نظر مکتب کپنهاگ، دو فاکتور می‌تواند تهدیدات بخش اقتصادی را به تهدیدات وجودی تبدیل کند، نخست؛ این تهدیدات بقای جمعیت کشور را مورد تهدید قرار دهد و دوم آنکه؛ تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی تأثیر استراتژیک بر بخش نظامی داشته باشد (Abdulkhani, 2013:129). در غرب آسیا، که بیش از ۸۵ درصد از اراضی آن تحت عنوان مناطق «خشک» یا «فراخشک» طبقه‌بندی می‌شود، بخش اعظم منطقه با کمبود شدید منابع آب مواجه است، لذا جای تعجب نیست که فرآیند توسعه اجتماعی اقتصادی آن با دشواری طی می‌شود (Bazi et al, 2010:4) و بقای جمعیت انسانی با تهدیدات بسیاری نرم و سختی مواجه است.

کشاورزی از ۸۵ درصد آب در این منطقه استفاده می‌کنند و لذا بهره‌وری بیش از حد از آب در کشاورزی بر منابع آب‌های زیرزمینی کشور تأثیر می‌گذارد (Barton and Writer, 2018)، علاوه بر این اثرگذاری بر کمیت و کیفیت کشاورزی به عنوان محور فعالیت‌های اقتصادی بر وضعیت هم‌کنشی مردم اثر دارد. کمبود آب یا رسیدن به وضعیت بحرانی در تأمین آب مورد نیاز، کشاورزان و فعالان این قسمت را بیکار می‌کند، درآمد آن‌ها را مکان تنزل می‌دهد، نیازهای اولیه و ثانویه مردم جامعه با تهدید مواجه می‌شود و در نتیجه خشونت ساختاری در جامعه حاکم می‌گردد که این امر با اثرگذاری بر عدم توان دولت در برآورد نیازها، جبران خسارات وارده بر کشاورزان و هم‌چنین عدم توانایی در صرف هزینه لازم در بعد نظامی، موجبات ناامنی وجودی اقتصادی برای کشورهای مذکور را فراهم می‌کند.

لذا پیوستگی بالای بین آب و اشتغال وجود دارد و شامل تأثیر مستقیم آب در ایجاد اشتغال در انواع بخش‌های زندگی جمعی از جمله صنعت، کشاورزی و هم شامل بخش‌های وابسته به آب از جمله بخش مدیریت منابع آب، زیرساخت و تأمین آب و فاضلاب می‌شود. لازم به ذکر است،

در منطقه غرب آسیا ۹۵ درصد از مشاغل در بخش کشاورزی، ۳۰ درصد از مشاغل در بخش صنعت و ۱۰ درصد از مشاغل در بخش خدمات به شدت وابسته به آب هستند. این بخش‌ها شامل کشاورزی، جنگل‌داری، ماهی‌گیری و آبی‌پروری، استخراج معادن و منابع و بسیاری از انواع تولید از جمله برق و همچنین تعدادی از مشاغل در صنایع تولید و تحول مانند غذا، داروها و منسوجات می‌شود (Miletto et al, 2017:20).

باید اشاره داشت، در حوزه اقتصاد، افزایش جمعیت در منطقه می‌تواند بر مشکلات اقتصادی بیافزاید، انتظار می‌رود که جمعیت کشورهای غرب آسیا طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۵ به ۱۸۳ میلیون نفر افزایش یابد، چنین امری فشار بر منابع آب را افزایش می‌دهد (Al Rimmawi, 2009) زیرا افزایش جمعیت، افزایش تقاضا برای آب، کار، درآمد، نیازهای بهداشتی، اجتماعی را نیز بیش‌تر می‌کند، در صورتی که آب به میزان کافی موجود نباشد، یا دولت و نظام حکومتی نتواند آن را تأمین نماید به تدریج زمینه درگیری و آشوب نیز ایجاد و افزایش خواهد یافت و بحران اقتصادی را با پیچیدگی بیش‌تری مواجه می‌نماید.

نکته دیگر آن است که، تأثیرات ناامنی غذایی و اقتصادی بر ادامه روند عدم توسعه‌یافتگی کشورهای درگیر در بحران آب است، یکی از مهم‌ترین تهدیدهایی که کشورهای اسلامی منطقه در آینده با آن بیش از پیش درگیر خواهند بود، عدم توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. زیرا نبود منابع اقتصادی، شغل، غذا و در نتیجه ناامنی غذایی موجب می‌شود مادران باردار نتوانند امنیت غذایی و مواد مورد نیاز را برای تولید فرزند سالم در اختیار داشته باشند و در بیش‌تر موارد از سوء تغذیه شدید رنج می‌برند، در این شرایط فرزندانی متولد می‌شوند که دارای نقص جسمی و روحی هستند، لذا نسلی روی کار خواهد آمد که از نیروی انسانی کافی، سالم و مناسب برای ایجاد و ادامه روند توسعه بی‌بهره است، جمعیت فعال و تولید کننده مازاد در بخش اقتصادی به شدت محدود خواهد بود و توسعه اقتصادی و اجتماعی شکل نخواهد گرفت.

تهدیدات وجودی در بعد اجتماعی: هدف مرجع امنیت در بخش اجتماعی «هویت» است. با در نظر گرفتن ماهیت خاص این نوع هدف مرجع، از نظر مکتب کپنهاگ مرزبندی محکم و متمایز کننده میان تهدیدات وجودی و دیگر چالش‌ها در این بخش بسیار دشوار است، زیرا به طور

طبیعی هویت‌های جمعی در پاسخ به توسعه داخلی و بیرونی تغییر و تحول می‌یابند. با در نظر گرفتن ماهیت محافظه‌کارانه هویت، همواره می‌توان چالش‌ها و تغییرات را به عنوان تهدیدی برای هویت ترسیم نمود، زیرا ما دیگر «خودمان» نخواهیم بود (Abdulkhani, 2013:130). بحران‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهای محور اسلامی در غرب آسیا می‌تواند به تدریج بحران اجتماعی و هویتی را نیز برای این کشورها و کنشگران ایجاد نماید. زیرا هر عاملی که هویت جوامع را با تهدید مواجه نماید به عنوان تهدید وجودی اجتماعی شناخته خواهد شد.

در کشورهای مذکور، بحران آب و در پی آن ایجاد بحران‌های سیاسی و اقتصادی، زمینه قرار گرفتن افراد در تحت لوای یک حکومت را دشوار می‌کند، زیرا افراد یا در قالب ناراضیان انقلابی دست به شورش خواهند زد، یا در قالب قومیت‌ها و قبیله‌ها به جنگ داخلی و کسب سهم بیش‌تری از آب یا منابع قدرت مبادرت می‌نمایند، یا جوامع خود را در قالب ملی به صورت بین شهری یا برون‌کشوری ترک می‌کنند. این وضعیت نتیجه فقدان منابع آب کافی، تخریب اکوسیستم، تغییرات کمی و کیفی اقلیمی، از دست دادن شغل، عدم تأمین معیشت، نابرابری جنسیتی و خشونت ساختاری منتج از بحران آبی در منطقه مورد نظر و تلاش افراد برای فرار از این وضعیت، تغییر آن و انطباق با خطرات موجود است.

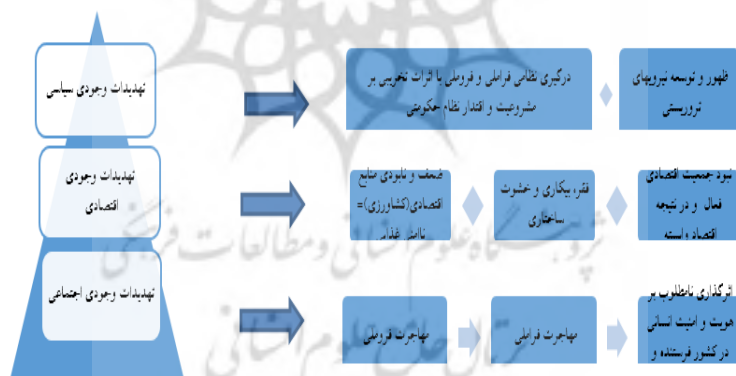
در واقع، امروزه در منطقه بحران مهاجرت از اهمیت بالایی برخوردار است و در آینده نیز بر شدت و اثرات امنیتی آن افزوده می‌شود. سینگ مدیر کل سازمان بین‌المللی مهاجرت، در سال ۲۰۱۷ اظهار داشت، تغییرات اقلیمی و مهاجرت از مهم‌ترین سیاست‌های مسائل زمان ما هستند (Miletto et al, 2017:8). این امر به تدریج که در دو قالب مهاجر فرست و مهاجر پذیر در دو بعد درون‌کشوری و بین‌کشوری رخ خواهد داد، موجبات افزایش ناامنی اجتماعی خواهد بود، زیرا کنشگرانی که با ناامنی آب مواجه هستند و به دلایل فوق‌الذکر به مهاجرت داخلی و بیرونی مبادرت می‌نمایند، نیروهای هویتی را به کشور و شهری وارد یا از آن‌ها خارج می‌نماید که در هر دو صوت هویت جامعه با ناامنی وجودی مواجه می‌شود. که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های مهاجرت می‌تواند ایجاد «جامعه بدون حکومت» یا «حکومت بدون جامعه» باشد که این امر

آسیب‌های جدی در ابعاد مختلف بر کنشگران مختلف خواهد داشت. لذا بحران آب می‌تواند موجبات کمبود شغل، درآمد، کاهش مواد غذایی کافی و سالم، افزایش قیمت غذایی، نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری و در نتیجه ناامنی غذایی، خشونت ساختاری، بی‌ثباتی سیاسی، ضعف حکمرانی، تقلیل قدرت اقتصادی، محو فرصت‌های شغلی و ... را فراهم نماید و در این راستا مهاجرت را به عنوان یک راه‌حل به افراد جامعه دیکته نماید، این مهاجرت ممکن است از درون کشور و از شهری با منابع آبی کمتر به شهری با وضعیت بهتر آبی یا از کشوری به کشور دیگر صورت بگیرد، که هر یک ناامنی‌های خاص خود را موجب می‌شود. در خصوص مهاجرت درون کشوری می‌توان سوریه را مثال زد، زیرا در پی کاهش ۳۵ درصدی باران، احداث سد‌های عظیم ترکیه و کاهش میزان آب دجله و فرات، موجب مهاجرت و جابه‌جایی عظیم از روستاها به شهرهایی مانند، درعا، دمشق و حمص شده است که این موضوع از علت‌های اصلی جنگ و نزاع داخلی در این کشور شمرده می‌شود (Rohi Dehbaneh, 2018:97). البته، مهاجرت بین کشوری از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا افرادی از یک کشور با هویت متفاوت، وارد جامعه‌ای با هویت متفاوت می‌شوند، ممکن است آن جامعه و انسجام هویت ملی آن را با وارد نمودن عناصر هویتی خارجی تضعیف و جامعه را با تهدید امنیت مواجه نماید.

نمونه این امر را می‌توان حجم بالایی از مهاجران غرب آسیا به کشورهای اروپایی برشمرد، در این امر تردیدی نیست که بحران آب ناشی از تغییرات آب و هوایی از مهم‌ترین دلایل ایجاد و افزایش مهاجرت مردم از این منطقه به کشورهای اروپایی است که اثرات قابل توجهی بر امنیت اجتماعی این جوامع داشته است، از این روست که اروپایی‌ها نیز خواستار تلاش‌های بین‌المللی برای ایجاد ثبات در مناطقی هستند که موجبات این موج عظیم مهاجران می‌شود (Baker, 2015). البته تهدید امنیتی وجودی در بعد اجتماعی تنها دارای آثار اجتماعی نخواهد بود بلکه مؤثر بر امنیت انسانی در مرحله قبل و اثرگذار در مرحله بعد و حین مهاجرت خواهد بود.

در مرحله قبل از مهاجرت، از دست دادن معیشت و فشار اقتصادی و سیاسی رویداد مهمی است که مهاجرت را به روندی در حال رشد تبدیل و این امر را به عنوان راهکار تأمین معیشت مبدل نموده است. در حین مهاجرت، ممکن است با بلاهای بلایای طبیعی مواجه شوند و جان خود

را از دست بدهند یا آنکه در مدت مهاجرت، قبل یا حتی بعد از آن به میزانی از اضطراب و استرس رنج ببرند که امنیت روانی آن‌ها به خطر افتد، از سوی دیگر زنان که بخشی از نیروهای مهاجر را تشکیل می‌دهند ممکن است درگیر خشونت جنسی در اردوگاه‌های داخلی یا بین‌المللی و دچار ناامنی جنسی، روحی و جسمی شوند (Miletto et al, 2017:20). پس از مهاجرت، افراد ممکن است توسط کشور هدف پذیرفته نشوند، نیازهای آن‌ها برطرف نشود و به بدترین شکل ممکن از آن‌ها استفاده ابزاری شود، اعضای بدنشان فروخته یا تجارت انسان شکل بگیرد، لذا مهاجرت خود دارای اثرات منفی بسیاری است که می‌تواند جامعه مقصد و مبدأ را با ناامنی وجودی مواجه نماید. یکی از مهم‌ترین وجوه ناامنی انجام «مهاجرت بیماری» است، به آن معنا که معمولاً در کشورهایی که از کمبود یا بحران آب رنج می‌برند و گرفتار ناامنی اقتصادی و سیاسی شده‌اند، بیماری‌های واگیردار ایجاد و افزایش می‌یابد و کشور توان پاسخ‌گویی به این حجم بیماری ندارد و آب کافی برای درمان و پرورش نسل سالم یافت نمی‌شود، لذا فرد با مهاجرت خود این بیماری را به جامعه هدف انتقال و ناامنی انسانی و اجتماعی را افزایش می‌دهد.



شکل (۱): تهدیدات وجودی ناشی از بحران آب در منطقه غرب آسیا

۵. نتیجه‌گیری

آب مسئله حیاتی، کمیاب و غیرقابل جایگزین می‌باشد. با توجه به تغییرات اقلیمی و افزایش جمعیت، بحران آب امروزه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح می‌باشد. در منطقه غرب آسیا با توجه به موقعیت آب و هوایی خشک و نیمه خشک، بحران آب، مسئله‌ای جدی در حوزه

امنیتی شناخته شده است. کشورهای اسلامی در این منطقه همواره از بحران آب رنج می‌برند که برخی از آن‌ها مورد اشاره قرار گرفت. لیکن آنچه قابل تأمل است تنش آبی در حوضه‌های حساس و اثرات امنیتی منتج از آن می‌باشد که امنیت چندبعدی کشورهای اسلامی را در منطقه با تهدید وجودی مواجه نموده است. کنشگران معمولاً در این منطقه به بحران آب نگرشی با حاصل جمع صفر دارند و همکاری‌ها نتایج مطلوبی دربر نداشته است، این نوع نگرش الگوهای رفتاری کنشگران را در این حوزه شکل داده است و در نتیجه این امر ما شاهد بودیم که چگونه برخی از تنش‌ها برگرفته از تلاش برای کنترل برخی ذخایر آبی یا دسترسی به سرمنشأ آب است (مانند کنش‌های رژیم صهیونیستی)، چگونه آب به عنوان یک ابزار برای اهداف سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی خارج از حوزه تعاملاتی مورد توجه قرار می‌گیرد (ترکیه و پروژه گاپ)، چگونه آب بر افعال تروریستی اثرگذار است (در ایجاد و توسعه گروه‌های تروریستی و استفاده ابزاری) و می‌تواند تنش‌های نظامی سخت را موجب شود (مصر با کشورهای آفریقایی هم‌چون اتیوپی) و ... در نتیجه بحران آب در منطقه به ویژه برای کشورهای اسلامی می‌تواند بستر ایجاد و تقویت بحران‌های دیرپایی شود بلکه امنیت وجودی آن‌ها را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با تهدید جدی مواجه می‌نماید. بحران آب ممکن است با ایجاد جنگ و تنش بین کشورها و به تدریج ناکامی در برآورد نیازهای کنشگران درون ملی، مشروعیت، اقتدار و اعتبار ایدئولوژی و قواعد تشکیل دهنده حکومت در کشور را با تهدید وجودی مواجه نماید؛ همچنین می‌تواند با ایجاد بحران اقتصادی، ناآرامی‌های سیاسی و بی‌ثباتی در عرصه ملی و فراملی، بستر لازم را برای ایجاد، رشد و فعالیت‌های چندبعدی نیروهای تروریستی فراهم نماید که این دو بحران بی‌شک کشورهای منطقه را با تهدید وجودی سیاسی مواجه می‌نماید. علاوه بر این اثرگذاری آب بر بخش اقتصادی بنیادین کنشگران غرب آسیا، یعنی کشاورزی و ایجاد هرگونه خلل و ضعفی در روند فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند، با ایجاد فقر، رکود، بیکاری، خشونت ساختاری، به تدریج ناامنی اقتصادی وجودی را در قالب نابودی جمعیت کنشگران منطقه موجب شود. بحران آب با ایجاد و گسترش عناصری چون «پناهجویان زیست محیطی» در عرصه داخلی موجب تنش و ناآرامی و در عرصه فراملی باعث ایجاد «حکومت‌های بدون ملت» و «ملت‌های

بدون حکومت» و «مهاجرت بیماری» به ویژه از نوع واگیردار آن می‌شود که به دلیل اثرگذاری بر تغییر هویت و ویژگی‌های هویتی می‌تواند ناامنی اجتماعی را ایجاد و تسهیل نماید. البته مهاجرت به دلیل اثرات قبل، حین و بعد مهاجرت در ناامنی انسانی به ویژه برای زنان و کودکان اثری تعیین کننده خواهد داشت که رویهم رفته نشان از اهمیت آب و بحران آن برای ناامنی‌های وجودی و نوینی است که آینده کشورهای اسلامی غرب آسیا را تهدید می‌نماید.

۶. قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی وزارت علوم خارجه و دانشگاه علامه طباطبائی تشکر و قدردانی نمایند.



References

1. Abdulkhani, Ali (2013). Security Theories, Contemporary Abrar, Tehran, Second Edition.[In Persian]
2. Al-Rimmawi, Hussein (2009). Middle East Chronic Water Problems: Solution Prospects Available, at:https://www.researchgate.net/publication/267262498_Middle_East_Chronic_Water_Problems_Solution_Prospects.
3. Araghchi, Seyyed Abbas (2014). Water Diplomacy, From Conflict to Cooperation, Quarterly Journal of Global Politics, Volume 3, Issue 4.[In Persian]
4. Araghchi, Seyyed Abbas (2015). Transnational Water Diplomacy and the International System, Ministry of Foreign Affairs, Tehran.[In Persian]
5. Baker, Aryn (2015). How Climate Change is Behind the Surge of Migrants to Europe, Available at: <http://time.com/4024210/climate-change-migrants>.
6. Barton Alexandra Writer, Guest (2018). WATER IN CRISIS - MIDDLE EAST, Available at: <https://thewaterproject.org/water-crisis/water-in-crisis-middle-east>.
7. Bazi, Khoda Rahm; Khosravi, Somaie; Javadi, Maesome; Hossein Nejad, Mojtaba (2010). The Middle East Water Crisis (Challenges and Solutions), Proceedings of the Fourth International Congress of Geographers of the Islamic World.[In Persian]
8. Espinoza Pedraza, Lisdey; Heinrich, Markus (2016). Water Scarcity: Cooperation or Conflict in the Middle East and North Africa?, available at:<https://www.foreignpolicyjournal.com/2016/09/02/water-scarcity-cooperation-or-conflict-in-the-middle-east-and-north-africa/>
9. http://pajuhesh.irc.ir/Product/book/show.text/id/773/book_keyword//occasion//index/1/indexId/133662-133661,2017/9/17.
10. <http://www.irna.ir/fa/News/82435965.2611/2018/>
11. <https://ir.sputniknews.com/iran/201707172684615-2017/7/17>.
12. <http://www.wri.org>.
13. Jena, Mani Padma (2016). Water Scarcity Could Impact West Asian Credit Ratings, available at:<http://www.ipsnews.net>.
14. Koch, Paula (2013). Water Scarcity in the Middle East, available at: http://www.yourmiddleeast.com/features/water-scarcity-in-the-middle-east_5865.
15. Kreamer, David k (2012). The Water and International Security, Universities Council on Water Resources, Journal of Contemporary Water Research & Education.
16. Maddocks, Andrew ; Samuel ,Young Robert ; Reig , Paul (2015). Ranking the World's Most Water-Stressed Countries in 2040, available at:<https://www.wri.org>.

17. Maumouri, Ali; Kazemi; Seyyed.Asef (2011).Israel's Role in the Middle East Water Crisis, Journal of the History of Speech History, Volume 5, Number 12. **[In Persian]**
18. Miletto, Michela; Caretta, Martina A; Burchi, Fransesca.M.; Zanlucchi, Giulia (2017). Migration and its interdependencies with water scarcity, gender and youth employment, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
19. Mousavi, Ahmad (2012). Israeli Energy Security and the Geopolitics of the Region, Regional Studies, Number. 44.**[In Persian]**
20. Rababa'a, Ghazi Ismail (2012). Water Conflict in the Middle East, International Journal of Humanities and Social Science Vol. 2 No. 21.
21. Rohi Dehbaneh, Majid (2018). Global Warming, Water Crisis and its Effects on Homeland and Regional Security in West Asia, Proceedings of the Second Tehran Security Conference, Environmental Hazards of Regional Security in West Asia, Institute for Cultural Studies and International Contemporary Abroad Research.**[In Persian]**
22. Sattari, Mohanad Taghi (2017). The Tigris and Euphrates; Water or Weapons? A Brief Look at Possible Tensions over Water in the Middle East, Public Policy Studies Network, Presidential Center for Strategic Studies.**[In Persian]**
23. Sazmand, Bahare; Emamiifar, Ali (2018). The Impact of Desalination Plans on Persian Gulf Waters on Human Security of the Persian Gulf Countries, Proceedings of the Second Tehran Security Conference, Environmental Hazards of Regional Security in West Asia, Cultural Studies Institute and International Contemporary Abroad Research.**[In Persian]**
24. Taghipour, Sedighe (2016). The world is thirsty for water and Iran is thirsty for a drop of water management, Future Index, Future studied Educational Research Journal, No. 5, Special on the Global Water Crisis.**[In Persian]**
25. Trombetta, Maria Julia (2009). Environmental security and climate change: analysing the discourse, Cambridge Review of International Affairs, 21:4, 585-602, DOI: 10.1080/09557570802452920.
26. Waterbury, John (1979). Hydropolitics of the Nile Valley, Syracuse University Press. ISBN 0-8156-2192-2.
27. Yeranian, Edward (2018). Water Crisis Looms as Syria Military Conflict Winds Down, Available at: <https://www.voanews.com/a/water-crisis-looms-as-syria-military-conflict-winds-down-/4547493.html>.
28. Zaki, Yashar; Fateh, Neda (2018). Geopolitical Analysis of West Asia's Environmental Hazards, with Emphasis on Microenterprises in South West Asia, Proceedings of the Second Tehran Security Conference, Environmental Hazards of Regional Security in West Asia, Institute International Cultural Studies and Research of Contemporary Abrar.**[In Persian]**